



تفسیر قرآن به قرآن؛ روش جبران فقدان روایت در ذیل برخی آیات قرآن کریم

در خصوص آیات شریفه قرآن که روایتی ذیل آنها نیامده است، به طور طبیعی با عرضه آن آیه به آیات دیگر که در ذیل آن آیات روایتی وارد شده، به همان روش تفسیر قرآن به قرآن، می‌توان آنها را مورد تفسیر قرار داد.

در خصوص آیات شریفه قرآن که روایتی ذیل آنها نیامده است، به طور طبیعی با عرضه آن آیه به آیات دیگر که در ذیل آن آیات روایتی وارد شده، به همان روش تفسیر قرآن به قرآن، می‌توان آنها را مورد تفسیر قرار داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین توانایی، استاد دانشگاه و مدیر کل دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان مطالبی در خصوص چگونگی جبران فقدان روایت تفسیری ذیل برخی از آیات قرآن کریم پرداخت.

این استاد دانشگاه ضمن ارائه دو مقدمه در این باره گفت: همان‌طور که رسول‌خدا(ص) فرمودند «انی تارک فیکم الثقلین کتاب‌الله و عترتی...«؛ همیشه کتاب و عترت هر دو در کنار هم هستند و برطبق این حدیث در کنار یکدیگر تا روز قیامت خواهند بود تا در قیامت بر پیامبر اکرم(ص) عرضه شوند؛ مطلب دوم این‌که طبق فرمایش علامه طباطبایی، خود قرآن کریم نور است و این نور تاریکی ندارد که بخواهد رفع ابهام بشود.

وی در ادامه گفت: نسبت به مواردی که احیاناً در جزئیات امور دینی وارد نشده، طبیعی است که رسول‌خدا(ص) و اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) که تالی‌تو قرآن هستند، آن مواردی را که راجع به جزئیات هست، مطرح کنند و مواردی را که احیاناً طبق آیات محکم و متشابه که به دو دسته قرآن تقسیم می‌کند، آیات متشابه را آن‌ها تبیین می‌کنند و تاویل قرآن کریم که یک مرحله بالاتر است نیز به عهده اهل‌بیت(ع) است.

محمدحسین توانایی:

توصیه ما به قرآن پژوهان و کسانی که علاقه دارند که در قرآن تدبیر کنند این است که تا آن‌جایی که برای آن‌ها امکان دارد انس خودشان را با قرآن بیشتر بکنند

این پژوهشگر قرآنی افزود: قرآن کریم هم به این موضوع اشاره دارد که ما قرآن را برتو فرستادیم «...؛ لِنُبَيِّنَ لِلنَّاسِ. مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ..«؛ تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی»(نحل/44)، پس بیان قرآن به عهده پیامبر اکرم(ص) است. بیان جزئیات قرآن، بیان متشابهات قرآن و بیان تاویلات قرآن به عهده پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) است و طبیعی است که پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) تا آن‌جایی که لازم می‌دانستند، نقاط ابهام را برطرف کردند.

توانایی ادامه داد: ممکن است در آیاتی از آیات قرآن، روایتی به طور مستقیم وارد نشده باشد که به طور طبیعی با عرضه آن آیه به آیات دیگر که در ذیل آن آیات روایتی وارد شده، به همان روش تفسیر قرآن به قرآن مورد تفسیر قرار بگیرد. بنیان این روش را مرحوم علامه طباطبایی به طور کامل به کار گرفته است و البته قبل از ایشان هم این روش بوده، ولی نه به صورت کامل با عرضه آن آیات به آیات دیگر. بر این اساس، آیاتی که روایاتی در مود آنها آمده و مفهوم آن‌ها کاملاً روشن است، تکلیف آن آیات روشن می‌شود، یعنی آن آیات هم خودشان را کاملاً نشان خواهد داد و در فهم و استنباط از آن آیات قاری قرآن و متدبر قرآن دچار مشکل نخواهد بود.

محمدحسین توانایی در ضمن توصیه به متدبران قرآن در پایان گفت: توصیه ما به قرآن‌پژوهان و کسانی که علاقه دارند که در قرآن تدبیر کنند، این است که تا آن‌جایی که برای آن‌ها امکان دارد، انس خودشان را با قرآن بیشتر بکنند و به تفسیری نظیر تفسیر المیزان

که رویکرد آن قرآن به قرآن است، بیشتر آشنا شوند، زیرا در اثر مداومت و انس با قرآن و تدبیر در آن، نوری برای آن‌ها حاصل خواهد شد.